

ارائه الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی از طریق تدوین تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی

سید موسی خادمی^۱، محسن مرادیان^۲

علی علیزاده علی‌آبادی^۳، مجتبی پالوج^۴، محمدحسین نیک‌خواه^۵

پذیرش مقاله: ۹۵/۱۱/۱۶

دریافت مقاله: ۹۵/۰۸/۰۹

چکیده

نقش حساس و اساسی کشاورزی در امنیت غذایی و ملی و تولید درآمد ناخالص کشور و نقش حیاتی این درآمد در بیلان بودجه‌ای، باعث شده است تا متصدیان سیاست‌گذاری کشور نسبت به بخش کشاورزی توجه ویژه‌ای را اعمال نمایند. هدف از این تحقیق، دستیابی به الگویی مدون و راهبردی است که بتواند اداره امور کشاورزی کشور را از طریق تدوین تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تأمین نماید. این تحقیق که از نوع کیفی است، به دنبال آن است تا با استفاده از روش داده بنیاد به این سؤال اصلی که الگوی راهبردی مدون در حوزه «اداره امور کشاورزی» بر اساس گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی در جمهوری اسلامی چیست؟ پاسخ دهد. در این راستا نمونه‌ای متشکل از ۲۴ نفر از خبرگان و صاحب نظران ارشد بخش کشاورزی در انتخابی هدفمند مورد مصاحبه عمیق قرار گرفته و داده‌های گردآوری شده بر اساس نظریه داده بنیاد بعد از تبدیل به کد، مفهوم و مقولات در قالب عوامل علی، محوری، زمینه‌ای، واسطه‌ای، الزامات راهبردی و پیامدها، دسته بندی شده که با در نظر گرفتن ملاحظات چند به منظور کسب روایی و پایایی، با رسیدن به کفایت تئوریک، الگوی پارادایمی پیاده سازی اداره امور کشاورزی به دست آمد. یافته‌های حاصل از تحقیق بیانگر این مسئله است که اداره امور کشاورزی، باید بر اساس حفظ منابع پایه کشاورزی و توسعه پایدار کشاورزی باید در راس امور مهم کشور قرار گیرد.

واژگان کلیدی: الگوی راهبردی، اداره امور کشاورزی، تجارب نظام.



۱- استادیار مدیریت راهبردی دانشگاه پیام نور

۲- استادیار امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

۳- دانشیار بیماری‌شناسی گیاهی مؤسسه تحقیقات گیاهپزشکی

۴- استادیار مدیریت راهبردی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی

۵- دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل دانشگاه عالی دفاع (نویسنده مسئول)

مقدمه

بخش کشاورزی همواره به عنوان اساسی ترین موضوعات مطرح و غالب در تمامی کشورهای دنیا مورد توجه ویژه بوده است. چرا که این حوزه نقش به‌سزایی در رابطه با امنیت ملی و استقلال کشورهای دنیا ایفا می‌نماید. به بیان واضح تر حوزه کشاورزی به‌عنوان مهم‌ترین عامل زیر بنایی در بخش امنیت غذایی و ملی مطرح می‌گردد. بحث امنیت حداقل به طور اعم و امنیت ملی به طور اخص، در مقابل مفهوم تهدید یا تهدیدات معنی پیدا می‌کنند. یکی از اهداف اساسی امنیت ملی در هر نظام حفظ ارزش‌های محوری و حیاتی آن نظام بوده و در مقابل، از جمله کارکردهای عمده هر نظام نیز می‌توان به امنیت بخشی به زندگی اجتماعی و تداوم آن، تکوین هویت اجتماعی و ایجاد و حفظ همبستگی اشاره نمود. (مرادیان، ۱۳۸۸: ب)

در این راستا سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی نیز در سال ۱۳۹۱ از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به وزارت جهاد کشاورزی و دستگاه‌های مرتبط ابلاغ شده و آنان را موظف به پیاده سازی آن کرده است. تحقق سیاست‌های کلی کشاورزی در نگاه راهبردی مستلزم طی فرآیندی است که پیاده سازی به عنوان یکی از اجزای اصلی آن بوده و دست یابی به آن مستلزم شناخت و درک الزامات و عوامل موثر بر آن می‌باشد.

محققین و صاحب‌نظران مدیریت راهبردی بین انتخاب راهبردها، سیاست‌ها و پیاده‌سازی آنها تفکیک قائل شده‌اند. انتخاب راهبرد لزوماً به معنای پیاده سازی و اجرای آن نیست و حتی می‌توان گفت که انتخاب راهبرد تنها بخشی از فرآیند مدیریت راهبردی و آن هم شاید بخش ساده آن باشد چرا که یک راهبرد خوب بدون توجه به پیاده سازی و اجرای اثر بخش به احتمال زیاد با شکست روبه رو خواهد شد، لذا ساز و کارهای اداری و ساختاری ویژه ای که سازگار با راهبرد بوده و عملی نیز باشد برای پیاده‌سازی و اجرای راهبرد ضرورت دارند (حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۳۷۴).

حوزه کشاورزی در اکثر قریب به اتفاق کشورهای دنیا، از جمله مهم‌ترین بسترهایی است که اگر مورد توجه قرار گیرد نه تنها می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین بسترهای زیربنایی، در بحث اشتغال‌زایی دخیل باشد، بلکه به‌عنوان اساسی‌ترین عامل در بحث امنیت غذایی و نهایتاً در بحث امنیت ملی نیز به‌شمار می‌آید. کشورهای مختلف دنیا با داشتن مزیت رقابتی و نسبی در امر تولید محصولات اساسی و راهبردی، ضمن تأمین نیازهای داخلی کشور، خواهند توانست نسبت به



تعریف جایگاه ویژه‌ای در آن محصولات برای خود در جامعه بین‌المللی داشته باشند. این پدیده باعث گردیده است که هم اقتصاد برخی از کشور دنیا تا حد زیادی وابسته به فعالیت‌های کشاورزی شده و هم سبب رقابت در بین کشورهای در امر تولید و عرضه برخی از تولیدات اساسی و راهبردی مثل غلات، حبوبات و دانه های روغنی، و حتی نباتات صنعتی و لیفی گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که خارج شدن یک کشور تولید کننده مطرح در دنیا در محصولات مهم و اساسی، تا چه اندازه می‌تواند در عرصه اقتصادی ضربات جبران ناپذیری را به اقتصاد آن کشور وارد نماید. بسیاری از کشورهای متخاصم تلاش می‌کنند تا با از بین بردن جایگاه سایر کشورهای مطرح در سطح بین‌المللی، نسبت به بدست آوردن سودهای کلان برای کشورشان اقدام نمایند که در نهایت، استقلال کشور مذکور از بین خواهد رفت. (علیزاده، ۱۳۸۲: ۱)

فلذا دستیابی به اقتدار و امنیت ملی مبتنی بر امنیت غذایی با تکیه بر بخش کشاورزی یکی از اهداف سند چشم انداز ابلاغی است که داشتن الگویی مدون و توانمند می‌تواند، تحقق آن را تسریع نماید. در تبیین و تشریح وضعیت بخش کشاورزی کشور شواهد و قرائن اولیه حکایت از آن دارد که ساختار فعلی بخش کشاورزی کشور و روش اداره امور آن در حال حاضر به دلایل مختلف در پیاده‌سازی سیاست‌های ابلاغی با چالش‌های زیادی از جمله عدم وجود ساختار مناسب، بی‌ثباتی جایگاه درمقاطع مختلف زمانی، عدم شناخت درست از پتانسیل‌های موجود در کشور، عدم آمادگی کافی نیروی انسانی متخصص، عدم هماهنگی بین مدیران راهبردی و ارشد و عملیاتی، تخصیص نیافتن بودجه لازم بر اجرای سیاست‌ها و... روبه رو هستند.

این شرایط نشان دهنده وجود فاصله و شکاف بین شرایط مطلوب و موجود می‌باشد. با این وجود تدوین تجربیات کشور و دست‌یابی به الگوی راهبردی در اداره امور در بخش کشاورزی اگرچه راهی سخت، پرفراز و نشیب و دشوار می‌باشد، اما مسیری است مطمئن که به درستی انتخاب شده و تحمل سختی‌های آن برای ملتی که راهی را به درستی و آگاهانه انتخاب کرده، سهل‌الوصول و ممکن خواهد بود. در واقع این حقیقت، یک نوع هدف‌گذاری در این حوزه است و وجود آن به مسئولان قابلیت و توان ارزیابی خود را اعطا می‌کند تا با بازبینی و رفع نارسایی‌ها در بخش کشاورزی، افق روشن پیشبرد و طراحی الگوی راهبردی در اداره امور کشاورزی، اجرایی و قابل حصول نمایند. به یک معنی، باید اذعان داشت که بخش کشاورزی کشور به دلیل عدم به‌کارگیری تجارب مؤفق گذشته و اصلاح و بازنگری در تجارب شکست خورده خود، و اتکای



کشور به درآمدهای نفتی و عدم توجه جدی و اساسی مدیران نظام به این بخش، تاکنون به‌گونه‌ای مدیریت شده است که نتوانسته است، پایداری لازم و امنیت شغلی و درآمدی را برای مولدین بخش کشاورزی (کشاورزان و روستائیان) به ارمغان بیاورد و نتوانسته، که بخش کشاورزی را به میزان لازم و متناسب با قابلیت های خود به رشد و شکوفایی برساند، تا بتوان امنیت غذایی را برای کشور و مردم تأمین نماید.

لذا دغدغه اصلی ذهن محقق، ارائه و پرکردن خلاء الگویی راهبردی و مدون از گفتمان ولایت فقیه و تجربیات نظام جمهوری اسلامی در حوزه «اداره امور بخش کشاورزی» است. به تعبیری دیگر، این تحقیق به دنبال پاسخ دادن به این سؤال است که: الگوی مناسب راهبردی در اداره امور کشاورزی از طریق تدوین تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس اندیشه‌ها، آراء، نظرات، رهنمودها و تدابیر حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه)، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟

در باب اهمیت انجام آن نیز باید گفت که، اصول، عناصر و همین طور مبانی نظری حاصل از نتایج مطالعات اکتشافی این پژوهش، می‌تواند ضمن اثر بخشی بر دغدغه‌های حاکم بر فضای موجود در حوزه یاد شده، می‌تواند بر غنای علمی سایر پژوهش‌ها نیز بیافزاید، و ضمن توسعه دانش در حوزه اداره امور کشاورزی به عنوان یک مرجع علمی قابل اتکا و سودمند در ادبیات علمی کشور محسوب گردد. مضافاً اینکه، ضرورت انجام این تحقیق با رویکرد تعیین ابعاد و مؤلفه‌ها و زیر مولفه‌ها و تعریف، مصوب و اجرایی کردن آنها به دنبال ارائه یک الگوی علمی و روشمند در حوزه اداره امور کشاورزی می‌باشد و از لحاظ کاربردی، قادر است سیاست‌گذاران و مجریان امور را در فرآیندهای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و اجرا در سطوح راهبردی و عملیاتی راهنمایی و هدایت کند تا با توجه به اصول و عناصر متناسب با مقتضیات بومی و تجارب، اولویت‌ها را انتخاب و اجرای آنرا پیگیری نمایند

مبانی نظری

انتخاب صحیح و دقیق واژگان و مفاهیم مناسب با آن در هر رشته و علمی بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد. این امر در انتقال دانش و تجربیات به دیگران و نسل‌های آینده نقش به‌سزایی را به‌همراه دارد. اما از این مهم‌تر، اجماع و وحدت نظر محققین، دانشمندان و پژوهشگران عرصه یک



علم یا رشته برسر مفاهیم و واژگان آن است. نظریه اهمیت برداشت درست از واژه گان و درک مشترک از مفاهیم نگاهی به تعاریف واژه های کلیدی و مفاهیم اساسی تحقیق خواهد شد.

پیشینه تحقیق

به استناد بررسی های انجام شده تاکنون، تحقیق مستقل و مستدل علمی و یا رساله و کتاب با عنوان یا هدف تحقیق حاضر که به «تحلیل گفتمان ولایت فقیه در اداره امور کشاورزی» پرداخته باشد، مشاهده و یافت نگردیده است. اما درباره ضرورت بازنگری ودست یابی به الگوی جدید اداره بخش کشاورزی از طریق تدوین تجارب نظام بر مبنای نیازهای زیر بنایی کشور، مقالات متنوعی از منظرهای مختلف ارائه شده است که جنبه دانش افزایی آنها قابل انکار نیست و این حاکی از توجه متخصصین حوزه های مختلف بخش کشاورزی کشور به این امر می باشد. در این بخش ابتدا ضمن مرور تعاریف مرتبط با کشاورزی و مفاهیم آن، نگاهی کلی به جریان اداره حوزه کشاورزی از نگاه حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) و حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) و مفاهیم مشابه آن، مرور می شود.

مفهوم شناسی

- الگو: در تعریفی ساده از الگو می توان گفت؛ الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی می باشد (سورین و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۵). استفاده از الگو به درک بهتر نظریه کمک می کند و امکان محدوده های از پیش بینی ها را می دهد که می توان آنها را با آزمون ها تأیید نمود.

در این تحقیق بنا بر تعریف عملیاتی، الگوی راهبردی مدل منسجم و ثابتی است که با تنظیم روابطی منطقی از عوامل ومولفه های تاثیر گذار اصلی راهبردی، روابط بین آنها را به بهترین شکل ممکن ترسیم نموده و چگونگی دستیابی به اهداف را بر اساس شرایط حاکم میسر می سازد

- راهبرد: راهبرد از جمله واژه هایی است که تعاریف مختلفی را به خود اختصاص داده است. هریک از صاحب نظران از منظری خاص به بیان آن پرداخته اند. واژه راهبرد برگرفته از واژه یونانی استراتگوس^۱ است که مرکب از دو واژه استراتوس^۲ به معنای قشون و اگو^۳ به معنای رهبری باشد (کردنائیج، ۱۳۸۱). راهبرد راهی است که ما را به هدف می رساند، ماموریت را محقق می سازد و

1 - Strategos

2 - Stratus

3 - Ego



به چشم انداز معنا می بخشد (حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۴۸). راهبرد عبارت است از هنر هدایت جامع قدرت برای کنترل وضعیت ها و مناطق به منظور کسب اهداف، از این تعریف دیالکتیکی دیدن و کنترل محوری برداشت می گردد (احمدوند، ۱۳۹۱: ۵).

بخش کشاورزی

بخش کشاورزی به کلیه زیر بخش های زراعت، باغبانی، دام، طیور، آبزیان، جنگل و مراتع و آبخیزداری و کلیه موارد مربوط به آنها از جمله آب و خاک، بیابان زدایی، شهرک های گلخانه ای و دامپروری و صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی اطلاق می گردد. (قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۷: ماده ۱ آیین نامه اجرایی ماده ۱۱)

تجارب نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در اداره امور کشاورزی

مجموعه تصمیمات، اقدامات و فعالیت های کلان و راهبردی است که از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان این تحقیق برای اداره امور کشاورزی کشور توسط مسئولان حوزه پیش گفته به انجام رسیده است و دانش ضمنی و تلویحی یا دانش صریح را در این زمینه توسعه داده است.

سیاست های کلی

این سیاست ها جهت گیری های کلی و کلان هستند که در مرتبه ای بعد از قانون اساسی و بالاتر از قوانین و مقررات عادی قرار داشته و با توجه به ارزش های حاکم و شرایط محیطی جامعه برای تحقق آرمان ها و اهداف قانون اساسی به صورت مجموعه ای منسجم راهنمای عمل قوای سه گانه و دیگر ارکان و اجزای نظام که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده و ناظر بر همه قوانین به ویژه برنامه های پنج ساله توسعه بوده و الزام آور می باشند. سیاست های کلی نظام در سطح حاکمیت به عنوان فراسیاست ها یا متاپالسی جهت گیری سیاست های کلان را مشخص می کند و در بطن سیاست های اجرایی متوقف نمی شوند. سیاست های کلی کشاورزی در ۹ بند در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۷ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۹۱ به تصویب رسیده است.

خط مشی های عمومی به اشکال مختلفی ظهور و بروز می یابد که از آن جمله می توان گفت سیاست های کلی نیز نوعی خط مشی عمومی هستند. لذا آن چه در ادامه در خصوص مفهوم شناسی خط مشی و سیاست گذاری مطرح می شود، یک برداشت مترادف تلقی می گردد. لغت سیاست را خط مشی یا خط سیر و یا راهی که انسان پیش رو دارد معنی کرده اند. سیاست به مفهوم اصول و قواعدی اساسی و اصول راهنما است. در اصطلاح عام، سیاست تصمیم گیری حکومت ها و کشورها



و نهادهای سازمانی است. بین سیاست و خط‌مشی مرزی وجود دارد، خط‌مشی یکی از عناصر اصلی سیاست است چون در کشور ما سیاست متداول است. لذا خط‌مشی و سیاست معادل هم گرفته شده‌اند (دانایی فرد، ۱۳۹۰: ۱۸).

با اتخاذ سیاست رهنمودی ارائه می‌شود که می‌توان بدان وسیله استراتژی‌ها را به اجرا درآورد. از یک زاویه بسیار باز، مقصود از سیاست، رهنمودها، روش‌ها، رویه‌ها، مقررات و شیوه‌هایی از مدیریت خاص است که برای حمایت و تقویت کارها در نظر گرفته می‌شود تا سازمان بتواند به هدف‌های تعیین شده دست یابد. سیاست‌ها ابزارهایی هستند که بدان وسیله استراتژی‌ها به اجرا در می‌آیند. در راستای تأمین هدف‌های سازمانی، سیاست‌ها آن چه را که می‌توان یا نمی‌توان انجام داد را مشخص می‌نمایند (دیوید، ۱۳۹۰: ۴۳۳).

الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی

الگوئی است که در آن ابعاد، مؤلفه‌ها، زیرمؤلفه‌ها، و روابط بین آنها در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای اداره امور کشور در حوزه کشاورزی تعریف شده و می‌تواند به‌عنوان مدلی مرجع و تعمیم‌پذیر در اداره حکومت در حوزه پیش‌گفته به‌کار گرفته است. در حقیقت الگوی مدیریت راهبردی به‌معنای مفهوم‌سازی داده‌ها (گذشته، حال و آینده) است که مبنایی را برای تعقیب فرآیند طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی راهبردی فراهم می‌سازد.

گفتمان ولایت فقیه در اداره امور کشاورزی

گفتمان غالب جمهوری اسلامی ایران است که بر پایه اندیشه‌ها، آراء، نظرات، رهنمودها و تدابیر (حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)) شکل گرفته است و ریشه در آموزه‌های دینی و اسلام ناب محمدی (صل‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دارد و در اسلام اصل ولایت فقیه، در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور کشور در حوزه اداره امور کشاورزی برای مسئولان و کارگزاران نظام هدایت‌گر بوده و تصمیم‌ها و انجام فعالیت‌ها را در همه سطوح همسو، هماهنگ و هم‌افزا می‌نماید.

تدوین تجارب نظام

منظور از تدوین تجارب در این رساله، گام‌هایی شامل گردآوری و تعیین تجربیات مدیران و کارگزاران سطوح راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه اداره امور کشاورزی شامل (تعریف، توصیف، تحلیل، تفکیک، قالب‌بندی، ساخت‌دهی) برپایه گفتمان ولایت فقیه (حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)) و مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی



ایران و سپس مستندسازی و تئوریزه نمودن تجربیات به روش اجماع نظری برای استفاده آنها در ارائه الگویی کاربردی با رویکردی راهبردی برای اداره امور در کشاورزی در محورهای مدیریتی می‌باشد.

بررسی جایگاه سیاست‌های کلی نظام در جمهوری اسلامی ایران

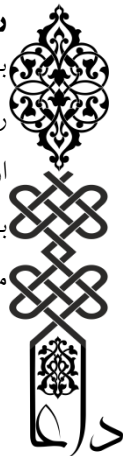
سیاست‌های کلی نظام، سیاست‌هایی است که بر مبنای اصل ۱۱۰ قانون اساسی توسط ولایت فقیه با مشورت مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین می‌گردد. لذا سایر سیاست‌هایی که توسط قوای سه‌گانه و یا سایر نهادها و شوراها در حوزه عملکرد خود تعیین می‌گردد در این حوزه نمی‌گنجد. برای تضمین عدم انحراف انقلاب از آرمان‌ها و ارزش‌ها باید خط‌مشی‌ها و سیاست‌های کلی نظام فقط باید از سوی رهبری تعیین شود و قوای سه‌گانه در تصمیمات و اقدامات خود از این سیاست‌ها پیروی کنند در واقع آنها باید مسئولیت اجرای این سیاست‌ها را بر عهده داشته باشند (کاظمی، ۱۳۹۰: ۲۱۰).

سیاست‌های کلی نظام از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) سیاست‌های کلی به عنوان هندسه اساسی نظام و قوای سه‌گانه بوده و مهم‌ترین کار رهبری عبارت است از تعیین سیاست‌های کلان کشور، یعنی آن چیزهایی که جهت‌گیری کشور را مشخص می‌کند، که همه قوانین، مقررات و عملکردها باید در این جهت باشد. معظم‌له در ۲۰ اسفند ماه ۱۳۷۹ در ابلاغ سیاست‌های کلی نظام می‌فرماید: سیاست‌های ابلاغی در چارچوب قانون اساسی نافذ است و تخطی از این قانون در اجرای سیاست‌های کلی پذیرفته نیست. ایشان می‌فرمایند: رهبری سیاست‌گذار کلی نظام محسوب می‌شود یعنی همه قوای سه‌گانه باید در چارچوب سیاست‌های رهبری برنامه‌ریزی کنند و سیاست‌های اجرایی خودشان را تنظیم نمایند، حرکت و قواره کلی نظام باید در چارچوب سیاست‌هایی باشد که رهبری معین می‌کند، این مهم‌ترین مسئولیت رهبری است.^۱

رویکردها و الگوهای حاکم بر پیاده‌سازی در سطوح راهبردی

با توجه به تنوع آرا و نظرات در خصوص ارائه الگوهای موجود برای پیاده‌سازی در سطوح مختلف راهبردی، اطلاع از این دیدگاه‌های قابل تأمل و توجه می‌باشد که مختصراً به آن اشاره می‌شود: الگو از مفاهیمی تشکیل شده است که در گزاره‌های نظری به کار می‌رود و مستقیم یا غیر مستقیم قانونی برای بررسی‌های تجربی به‌شمار می‌آید. به عبارت دیگر عنصر مفهومی یک الگو، به محقق نشان می‌دهد که واقعیت از چه متغیرهایی تشکیل شده است. برای مثال اگر از مفاهیمی نظیر تقاضاها و



^۱ بیانات ۱۳۷۹/۱۲/۲۲ در دانشگاه صنعتی امیرکبیر

- حمایت‌ها سخن به‌میان می‌آوریم، عمدتاً میزان ثمربخش بودن آنها در یک الگو مورد توجه است.
- به‌عنوان مثال پارسونز معتقد است که بقای نظام به چهار عامل بستگی دارد که عبارتند از:
 - حفظ الگو یعنی نظام باید از توانایی لازم برای باز تولید الگوهای اساسی خود (ارزش‌های و هنجارها) برخوردار باشد.
 - ایجاد سازگاری و تطابق با محیط و تغییرات آن.
 - توانایی دستیابی به هدف.
 - قابلیت نظام در یکپارچه کردن وظایف مختلف نظام‌های فرعی.

این نظریه نشان می‌دهد که یک الگوی راهبردی در یک حوزه کلان راهبردی چقدر می‌تواند بر بقای یک نظام به‌عنوان یک رکن اساسی تأثیرگذار باشد.

روش‌شناسی

این تحقیق از نوع کاربردی- توسعه‌ای است. چراکه اولاً دانش ضمنی و تلویحی درباره الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی در جمهوری اسلامی ایران را مدوّن نموده و توسعه می‌دهد و ثانیاً نتایج آن می‌تواند الگویی برای اداره امور کشور در موضوع و حوزه کشاورزی باشد. در این تحقیق برای رسیدن به پاسخ سوالات این پژوهش، از روش‌های متنوع کیفی نظیر پژوهش آمیخته و با رویکردی تفسیرگرا و تحلیل گفتمان و نظریه‌پردازی به روش زمینه‌ای (داده بنیاد) و با استفاده از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه و نرم‌افزارهای مختلف همچون نرم‌افزارهای اطلس تی‌آی، مکس کیو دی‌آی، و نرم‌افزارهای تجمیع‌کننده آثار امام (رحمه الله علیه)، امام خامنه‌ای (مدظله العالی) و نیز متن قانون اساسی و مذاکرات زمان تدوین آن بهره‌گرفته شده است.

شیوه نمونه‌گیری در پژوهش‌های داده بنیاد غیر تصادفی و هدفمند است، نمونه‌گیری در این پژوهش با کمک روش نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفته که در آن تعداد نمونه تا جایی که به اشباع در نظرات اعضای نمونه ختم شود، ادامه می‌یابد. با این حال به‌عنوان یک معیار تقریباً کلی حدود ۲۰-۳۰ مصاحبه را جهت اشباع مقوله‌ها و جزئیات نظریه زمینه‌ای کافی می‌دانند. در این مطالعه ۲۴ مصاحبه از مدیران راهبردی در سطح کلان ملی حوزه مربوطه بخش کشاورزی و همچنین ۶۲ مصاحبه به صورت بسته (پرسشنامه) از مدیران عملیاتی و منطقه‌ای صورت گرفت. با توجه به اهداف حاکم بر این پژوهش، جامعه آماری در این پژوهش شامل دو بخش اسناد و مدارک دست اول شامل فرمایشات



ولایت فقیه و سند چشم‌انداز، قانون اساسی و خبرگان حوزه کلان کشاورزی که شامل وزراء و معاونین و محققین و اساتید دانشگاهی است را شامل می‌شود.

بر مبنای مفاهیم حساس^۱ و با مرور ادبیات موضوع و استفاده از نظرات خبرگان راهنمای مصاحبه عمیق (استربرگ، ۱۳۸۴: ۱۰۵) تهیه شد. محقق توسط راهنمای مصاحبه پرسش‌های کلیدی خود را مطرح کرده و سپس مصاحبه شونده‌گان دیدگاه‌ها و روایت‌های خود را آزادانه بیان نموده‌اند.

تجزیه و تحلیل کیفی بر خلاف روش‌های کمی، همزمان با مرحله گردآوری داده و به‌طور توأم انجام می‌شود. اطلاعات پیاده شده از مصاحبه‌ها بر مبنای روش سه مرحله‌ای داده بنیاد کدگذاری شد. در کدگذاری باز کدهای اولیه از مصاحبه‌ها استخراج شد. سپس در کدگذاری محوری این مفاهیم بر اساس محتوا، به‌صورت مفهومی و انتزاعی در قالب مقولات عمده دسته‌بندی شد و در مرحله آخر با مقایسه هر مقوله محوری با دیگر مقوله‌ها کدگذاری گزینشی انجام شد، در ادامه با پاسخ به این سؤال که مقوله مورد نظر به چه مواردی اشاره دارد؟ و با کدام مجموعه از مقوله‌های دیگر می‌تواند در یک مقوله منتخب یا گزاره دسته‌بندی شود، سلسله روابط بین مقوله‌ها انجام و نظریه استخراجی صورت پذیرد.

در این پژوهش با توجه به این که گردآوری داده‌ها در سه مرحله کدگذاری انجام شد در هر سه نوع کدگذاری، محقق دائماً با مراجعه به متون برگرفته از مصاحبه‌ها، برخی کدها را حذف و به حسب نیاز بعضاً کدهای جدید را اضافه نمود. این روش رفت و برگشتی تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت.

با این که برخی از پژوهشگران کیفی بحث در باره اعتبار و روایی داده‌ها و نتایج پژوهش را به‌طور سنتی مربوط به پژوهش‌های کمی می‌دانند اما واقعیت این است که در پژوهش‌های کیفی نیز صحت و اعتبار داده‌ها و یافته‌ها بخشی بسیار با اهمیت از فرآیند پژوهش است.

در پژوهش حاضر از دو روش بازبینی مشارکت کنندگان و مرور خبرگان غیرشرکت‌کننده در پژوهش استفاده و پس از دریافت نظرات اصلاحی و مشاوره لازم با استادان، ویرایش لازم انجام و الگوی نهایی ارائه شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

در این قسمت به تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده پرداخته می‌شود. داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق با خبرگان ارشد بخش کشاورزی کشور در سه مرحله فرآیند تحلیل مضمونی، یعنی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی با طی فرآیندی منطقی، منجر به ارائه الگوی



راهبردی اداره امور کشاورزی ارائه گردید. بدین منظور با انجام مصاحبه، کلیه نظرات مصاحبه شوندهگان ثبت و نگهداری و سپس تبدیل به متن شده و بعد از رسیدن به کفایت نظری (اشباع نظری) در نظرات ارائه شده توسط مصاحبه شوندهگان، کدهای اولیه (باز) ایجاد گردید که تعداد آنها به ۷۵ عدد کد رسید و در قالب جداول مختلف تنظیم گردید و در ادامه کدگذاری ثانویه صورت پذیرفت. نظریه وجود تعداد زیادی از کدهای تولید شده به منظور خلاصه‌سازی آن، آن دسته از کدهای اولیه که دارای اساس و پایه در قرابت معنایی با یکدیگر بودند به یک مفهوم تبدیل شده و متعاقب آن چند مفهوم تبدیل به یک مقوله گردیده و مجموعه مقولات به دست آمد که شرح فرآیند آن توضیح داده می‌شود:

۱- کدگذاری داده‌ها؛ ۲- کدگذاری باز داده‌ها.

در کدگذاری باز براساس داده‌های گردآوری شده، اقدام به احصاء کدها، مفاهیم و مقوله می‌گردد که مراحل عملیاتی آن بدین شرح می‌باشد:

احصاء کد از متن

در مرحله کدگذاری باز به مشخص کردن کدها، مفاهیم و مقوله‌ها اقدام می‌شود. کد واحد خرد تحلیل است که بر پایه آن مفهوم سازی داده‌ها شکل می‌گیرد.

در کدگذاری باز براساس روش مرسوم در نظریه داده بنیاد، به هر یک از اجزاء عنوان و برجستگی داده می‌شود. این عنوان که اصطلاحاً به آن کد گفته می‌شود، باید گویای محتوای داده باشد، به طوری که محقق و خواننده، با مشاهده این عنوان و تیتیر، تا حدود زیادی به مفهوم جملات پی ببرند (میلز و هوبرمن، ۲۰۰۲: ۵۱).

مفهوم پردازی داده‌ها (شکل‌گیری مفاهیم)

اولین گام در تجزیه و تحلیل داده‌ها، مفهوم پردازی آنها می‌باشد. مفاهیم در تئوری سازی بنیادی، زیر مقوله‌هایی از نوع کدهای باز هستند که وظیفه شان ارائه جزئیات بیشتری در مورد هر مقوله است (استراس و کوربین، ۱۳۸۵). منظور از مفهوم پردازی یعنی اینکه مورد مشاهده، جمله یا پاراگراف را برداشته و آن را به اجزایی تقسیم کرده و به هر کدام از پدیده‌ها یا رخدادها نام یا برجستگی اطلاق شود که یا نشانه آن پدیده است یا می‌تواند به جای آن بنشیند. در طول تحقیق ممکن است به تعداد زیادی برجسب مفهومی دست یافت، این مفاهیم باید دارای مبنایی باشند، یعنی پدیده‌های مشابه با یکدیگر طبقه‌بندی شوند.

برای شکل‌گیری مفاهیم، باید به دو نکته اساسی در طول اجرای تحقیق دقت شود: اول این که باید یک مقایسه یا تطبیق مستمر بین گزاره‌های منتخب کد گذاری شده برای یافتن محورهای مشترک بین



آنها انجام شود و دوّم این که مفاهیم تولید شده به مرحله اشباع نظری برسند. توجه به دو نکته مزبور موجبات افزایش روایی و استحکام نظریه نهایی را در پی خواهد داشت. داده‌ها از ابتدا از طریق پرسیدن سوالات ساده‌ای نظیر چه، که، چگونه، چقدر، تجزیه و تفکیک و متعاقباً مقایسه شده و رویدادهای مشابه به یکدیگر گروه‌بندی شده و عنوان «مفهومی مشابه» می‌گیرند (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۷). پس از بررسی تمامی مفاهیم به دست آمده، فرآیند فوق در خصوص آنها نیز به‌طور کامل اعمال گردید و تعداد ۷۵ مفهوم احصاء شد.

مقوله‌پردازی داده‌ها (شکل‌گیری مقوله‌ها)

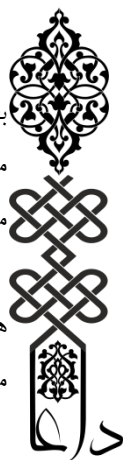
در این مرحله، از طریق مقایسه مفاهیم با یکدیگر، محورهای مشترک، عنوان مقوله به‌خود می‌گیرند (Glaser, 2002: 23). باید به این نکته اشاره نمود که بیشتر مقولات را خود ما نام‌گذاری می‌کنیم. نامی که انتخاب می‌کنیم، باید نامی باشد که از نظر منطقی بیشترین ارتباط را با داده‌هایی که مقوله نمایانگر آن است، داشته باشد و باید آن قدر هم‌خوان باشد که آن چه را که ارجاع می‌کند به سرعت به خاطر بیاورد و بتوانیم در خصوص آن فکر کرده و از همه مهم‌تر تحلیل کنیم (غفاریان به نقل از: گلیسر، ۱۹۷۵: ۷۰ و استراس، ۱۹۹۴: ۳۳).

گروه‌بندی مفاهیم، تعداد واحدهایی را که باید با آنها کارکنیم، کاهش می‌دهد. روند طبقه‌بندی مفاهیم را که به نظر می‌رسد به پدیده‌های مشابه ربط پیدا می‌کند، مقوله‌پردازی می‌نامند. در هنگام مقوله‌پردازی سوالاتی را بایستی طرح نمود و در پی پاسخ آنها بود تا به خصوصیات موضوع یا شرایط آن (خصوصیات یا شرایط به پدیده‌هایی با انواع متفاوت اما مربوط به هم دلالت می‌کند) پی‌برد (استراس و کوربین، ۱۳۸۵). پس از طی مراحل عملیاتی کدگذاری باز در این بخش از تحقیق، تعداد ۱۹ طبقه فرعی حاصل گردید.

کدگذاری محوری داده‌ها

کدگذاری محوری مرحله بعدی تجزیه و تحلیل در نظریه‌پردازی داده بنیاد است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقه‌های تولیدشده (در مرحله کدگذاری باز است. ارتباط سایر طبقه‌ها با طبقه محوری در شش عنوان می‌تواند تحقق داشته باشد که عبارت‌اند شناسایی عناصر علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و راهبردها و پیامدها (Corbin and Strauss, 1990: 3).

در کدگذاری محوری یکی از مقوله‌های کدگذاری باز به‌عنوان مقوله یا پدیده اصلی (پدیده اصلی یا هسته، همان فرآیند مورد مطالعه) انتخاب می‌شود و در مرکز فرآیند مورد بررسی قرار می‌گیرد و سایر مقوله‌ها را به هم مرتبط می‌سازد.



در این تحقیق با توجه به ویژگی‌های بیان‌شده برای انتخاب یک پدیده یا مقوله محوری، مقوله اصل خودکفایی به‌عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شده است و سایر مقوله‌های پیرامون آن، در قالب الگوی پارادایم قرار گرفته است. بنابراین مقوله‌های حاصله از کدگذاری محوری در این تحقیق را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

عوامل علی

- شرایط علی: به‌شرایطی گفته می‌شود که عامل اصلی به وجود آورنده پدیده مورد مطالعه باشد (Strauss & Corbin, 2008). نتایج تحلیل محتوای پاسخ و نظرات مصاحبه‌شونده‌ها به سؤالات مطرح شده در خصوص ارائه الگوی راهبردی در اداره امور کشاورزی حاکی از وجود ۶ مقوله فرعی در خصوص شرایط علی برای ایجاد پدیده مورد مطالعه است در واقع این مقوله‌ها عوامل اصلی تأثیرگذار بر ارائه الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی است.

جدول ۱: عوامل علی ارائه الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی

ردیف	طبقه های اصلی	ردیف	طبقه های فرعی
(۱)	عوامل موثر یا شرایط علی: ارائه الگوی راهبردی در اداره امور کشاورزی		تقویت بخش کشاورزی
			پیشرفت بخش کشاورزی
			توجه ویژه به بخش کشاورزی
			اولویت دادن به بخش کشاورزی
			اهتمام به فعال نمودن بخش کشاورزی
			احیای زیر ساخت های بخش کشاورزی

عوامل محوری

پدیده محوری حادثه یا اتفاق اصلی است که یک سلسله کنش‌ها / کنش‌های متقابل برای کنترل یا اداره کردن آن وجود دارد و به آن مربوط می‌شود (Strauss & Corbin, 2008). پدیده محوری در این تحقیق، اصل خودکفایی در کشاورزی است. پدیده محوری در این تحقیق شامل ۹ مقوله می‌باشد که در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: عوامل محوری ارائه الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی

ردیف	طبقه های اصلی	ردیف	طبقه های فرعی
(۲)	عوامل محوری		اصل خودکفایی در کشاورزی



عوامل زمینه‌ای

عوامل زمینه‌ای نشان دهنده یک سری خصوصیات ویژه است که به پدیده‌ای دلالت می‌کند، به عبارتی محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده‌ای در طول یک بعد است که در آن کنش متقابل برای کنترل، اداره و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد (Strauss & Corbin, 2008). این مقوله‌ها که به مقوله‌های محیطی نیز معروفند، نشانگر یک سلسله شرایط خاصی است که ارائه الگوی راهبردی در اداره امور کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مفاهیم تشکیل دهنده مقوله‌های زمینه‌ای ارائه الگوی راهبردی هر چند خود علت و دلیلی برای به وجود آمدن و شکل‌گیری مقوله محوری پیاده‌سازی نیستند، اما زمینه‌ها و شرایط محیطی هستند که باعث توجه به پیاده‌سازی سیاست‌ها می‌شوند و بدون توجه به آنها مقوله‌های راهبردی پیاده‌سازی سیاست‌ها نمی‌تواند به درستی به کار گرفته شوند و لازم است در الگوی راهبردی به آنها توجه گردد. شرایط زمینه‌ای در این تحقیق شامل ۹ مقوله می‌باشد که در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: مقوله‌های متغیرهای زمینه‌ساز در ارثه الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی

طبقه های اصلی	ردیف	طبقه های فرعی	ردیف
متغیرهای زمینه ساز: زمینه های اداره امور کشاورزی در جمهوری اسلامی	(۳)	هدف‌گذاری در بخش کشاورزی	
		توجه به استقلال کشاورزی کشور	
		توجه اقتصادی به بخش کشاورزی	
		گسترش و توسعه بخش کشاورزی	
		امنیت اقتصادی در بخش کشاورزی	
		برنامه ریزی جامع در بخش کشاورزی	
		توجه به فعالیت های اقتصادی در کشاورزی	
		تدوین سیاست‌گذاری های ثابت در بخش کشاورزی	
		تامین عدالت و قسط اسلامی در بین واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی	

عوامل مداخله‌گر

این مقوله‌ها که به مقوله‌های میانجی هم معروف است، نشانگر برخی شرایط خاصی است که راهبرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (استراس، کوربین، ۱۳۸۵)



در این تحقیق (۱) مقوله به‌عنوان شرایط مداخله‌گر تأثیرگذار بر الگوی راهبردی به شرح جدول ۴ مورد شناسایی واقع شد (Strauss & Corbin, 2008: 11).

جدول ۴: مقوله مداخله‌گر در ارائه الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی

ردیف	طبقه های اصلی	ردیف	طبقه های فرعی
(۴)	متغیرهای بازدارنده: بازدارنده های اداره امور کشاورزی در جمهوری اسلامی		منع واگذاری امتیازهای مربوط به امور تجاری و صنعتی و کشاورزی به بیگانگان

عوامل راهبردی

مقوله‌های راهبردی: این مقوله‌ها راهبردهایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده محوری را ارائه می‌کند (استراس، کوربین، ۱۳۸۵). راهبردهای مورد نظر در نظریه داده بنیاد به ارائه راه‌حل‌هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد که هدف آن اداره کردن پدیده مورد مطالعه، برخورد با آن و حساسیت نشان دادن در برابر آن است (Strauss & Corbin, 2008: 64). در این تحقیق (۱) مقوله به‌عنوان مقوله‌های راهبردی تشخیص داده شد که در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵: مقوله راهبردی ارائه الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی

ردیف	طبقه های اصلی	ردیف	طبقه های فرعی
(۵)	راهبرد:		تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت

مقوله‌های پیامدها

مقوله‌های پیامدی نتیجه و حاصل راهبردها در رویارویی با پدیده و یا به‌منظور اداره و کنترل کردن پدیده است (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۸). در این تحقیق (۱) مقوله اصلی به‌عنوان اساس مقوله‌های پیامدی تشخیص داده شد که در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶: مقوله‌های پیامدی ارائه الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی

ردیف	طبقه های اصلی	ردیف	طبقه های فرعی
(۶)	نتایج و پیامدها: اداره امور کشاورزی در جمهوری اسلامی ایران		تامین منافع ملی کشور



الگوی پارادایمی تحقیق (برگرفته از کد گذاری محوری)

با در نظر گرفتن مقوله‌های چندگانه و روابط موجود بین مقوله‌ها، الگوی پارادایمی ارائه الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی از طریق تدوین تجارب نظام ج.ا.ا. بر اساس گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی حاصل از اجرای روش شناسی نظریه داده بنیاد در نمودار شماره ۲ آمده است.



شکل ۲: نمای عمومی الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی از طریق تدوین تجارب نظام ج.ا.ا. بر اساس گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی در جمهوری اسلامی

نتیجه گیری و پیشنهاد:

الف - نتیجه گیری

محقق شدن یک الگوی راهبردی مدون و کاربردی به مجموعه عواملی بستگی دارد که هر یک می‌بایست به تفکیک مورد توجه قرارگیرد، به همان میزان که تدوین و طراحی الگوی راهبردی از اهمیت برخوردار است دقت در نحوه طراحی و انعطاف پذیر بودن آن هم مهم تلقی می‌شود.

در این تحقیق ۲۴ مصاحبه با مدیران و صاحب نظران حوزه کشاورزی در سطح کلان ملی و راهبردی که شناخت کافی از این عرصه را دارا بوده، و در سطوح کلان مدیریتی، مسئولیت پیاده سازی و اجرای سیاست‌های کلی کشاورزی را در وزارت جهاد کشاورزی و شرکت‌های مادر تخصصی وابسته را به عهده داشته و ۶۲ مصاحبه بسته (پرسشنامه) از مدیران عملیاتی و منطقه ای در کشور صورت پذیرفت. بدین ترتیب با بهره‌گیری از دانش و تجربیات



صاحب‌نظران و مجریان ارشد بخش کشاورزی در سطوح راهبردی و عملیاتی در دستگاه‌های اجرایی مرتبط با بخش کشاورزی، عوامل تاثیرگذار برارائه یک الگوی راهبردی در اداره امور کشاورزی از منظرهای مختلف مورد شناسایی قرار گرفت.

با استفاده از روش داده بنیاد که روش مناسبی جهت طراحی الگو از طریق داده‌های کیفی است، کدهای برگرفته از گزاره‌های متنی، تبدیل به مفاهیم و متعاقب آن، بر اساس قرابت معنایی و محتوایی بین مفاهیم، مقوله‌ها شناسایی شده و براین اساس مقوله‌های چندگانه حول محور پدیده اصلی قرار گرفته و در نهایت الگوی پارادایمی تحقیق پدیدار گشت.

مدل مستخرجه از گفتمان ولایت فقیه و مستندات و متن قانون اساسی در حوزه اداره امور کشاورزی با سیاست‌ها و رویکردها و مدل‌های اداره امور کشاورزی درکشور های دیگر، از جهاتی شبیه و از جهاتی متفاوت است. عمده‌ترین تشابه این دو رویکرد به حوزه اداره امور کشاورزی، در محور و اساس بودن «اصل خودکفایی» به‌عنوان مسیر تحقق اداره امور کشاورزی است. همچنین در مدل مستخرجه از گفتمان ولایت فقیه و قانون اساسی در این تحقیق، زمینه‌های اداره امور کشاورزی در مقولات «تقویت بخش کشاورزی»، «توجه ویژه به‌بخش کشاورزی»، «اولویت‌دادن به‌بخش کشاورزی»، «احیای زیر ساخت‌های بخش کشاورزی» و «اهتمام به‌فعال نمودن بخش کشاورزی» با مدل‌های متعارف در کشورهای دیگر، مشابه و نزدیک است.

در عین حال، مدل مستخرجه با مدل‌های مشابه و متعارف در دیگرکشورها تفاوت‌هایی اساسی دارد که به‌طور خلاصه عبارتند از:

۱- شرط علی «تقویت بخش کشاورزی» که باعث می‌شود «انگیزه‌های احیای و حفاظت از زیر ساخت‌های بخش کشاورزی و منابع پایه» باعث می‌شود که کشاورزی کشور به‌سمت وسوی توسعه پایدار با حفظ منابع پایه پیش برود و در نهایت این حوزه تقویت بشود.

۲- در مدل مستخرجه از گفتمان ولایت فقیه و مستندات و متن قانون اساسی، تامین عدالت و قسط اسلامی در بین واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی یک اصل است که در مدل‌ها و رویکردهای خارجی در حوزه اداره امور کشاورزی وجود ندارد.

۳- در الگوی راهبردی ارائه شده در این تحقیق، محدودیت‌هایی در اداره امور کشاورزی کشور تعیین شده است که شامل منع واگذاری امتیازهای مربوط به امور تجاری و صنعتی و کشاورزی به



بیگانگان و منع آنها از آسیب رساندن به محیط زیست و حفظ منابع پایه بخش کشاورزی است که باعث جلوگیری از وابسته کردن نظام اسلامی به بیگانگان در جریان اداره امور کشاورزی می شود.

۴- در شرایط زمینه ای ارائه شده در این تحقیق، اداره امور کشاورزی در جمهوری اسلامی ایران، مورد « برنامه ریزی جامع در بخش کشاورزی برای رسیدن به استقلال کشاورزی کشور و امنیت غذایی» وجود دارد در حالی که در مدل های متعارف در کشورهای دیگر از آنجا که معمولاً متصل یا هضم شده در فرآیندهای جهانی و نظام سلطه جهانی در این حوزه هستند، این کشورها فاقد چنین زمینه ای در الگوی راهبردی شان در حوزه اداره امور کشاورزی می باشند.

۵- از الگوی راهبردی ارائه شده در این تحقیق در حوزه اداره امور کشاورزی، پیامد ها و نتایجی انتظار می رود که قاعدتاً از الگوهای مشابه در دیگر کشورها انتظار نمی رود از جمله «تأمین منافع ملی کشور و افزایش امنیت ملی و غذایی از طریق بهره مندی از دیدگاه های رهبریت در اداره امور بخش کشاورزی و با رویکرد بسط و گسترش عدالت»

الگوی پیشنهادی فراتراز نظریه های پیاده سازی موجود، که در زیست بوم خارج از کشور مطرح شده و نوعاً به معهود عوامل اثرگذار بر پیاده سازی در سطوح راهبردی پرداخته، توانسته است با اتخاذ رویکرد چند جانبه نگری، در حد بضاعت خود پدیده مورد مطالعه را از همه جوانب مورد مطالعه قرار دهد، لذا اجرای آن با توجه به درک شرایط بومی کشور نوید بخش کمک به تحقق سیاست های کلی بخش کشاورزی کشور ارزیابی می شود.

ب- پیشنهادها

مهم ترین و بنیادین ترین پیشنهاد به سیاست گذران نظام درباره اداره امور کشاورزی، اجرای این الگوی راهبردی است که شاکله اصلی آن را فرامین حضرت امام (رحمت الله علیه) و مقام عظمای ولایت حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) تشکیل می دهد. یعنی در هر یک از ابعاد ۹ گانه الگوی راهبردی اداره امور کشاورزی، نتایج این تحقیق، به مرحله عملیاتی و اجرایی برسد. علاوه بر این، با استفاده از نتایج حاصل گشته از این پژوهش می توان، دور نمای تصویب و اجرای خط مشی های فراوان و سیاست های اجرایی واحدی را به سیاست گذاران و تصمیم سازان در جمهوری اسلامی ایران، در مورد اداره امور کشاورزی نشان داده و پیشنهادات لازمه را در این مسیر ارائه کرد:



۱- در سیاستگذاری در حوزه اداره امور کشاورزی، احیای این حوزه و حفظ منابع پایه در بخش کشاورزی از اهمیت ویژه ای برای نظام مقدس جمهوری اسلامی برخوردار است که می بایست بدان اهتمام ویژه داشت.

۲- اصل خودکفایی بر مبنای دکترین حاکم بر بخش کشاورزی محور همه سیاست های کلان اقتصادی نظام، علمی و حتی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و مدیریتی کشور قرار گیرد.

۳- دکترین راهبردی حاکم بر بخش کشاورزی کشور همان عبارت گوهر بار حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) می باشد که می فرمایند: «ایران کشوری است که باید کشاورزی اش اساس همه کارها باشد»، و مسئولین نظام جمهوری اسلامی می بایست، تمام فعالیت هایشان و جهت گیری هایشان در سطح کلان کشوری چه در بحث تصمیم سازی ها و چه در تصمیم گیری ها و حتی عملیاتی نمودن آنها دارای رویکرد الزام آور داشته باشند و از آن کوتاه نیایند.

۴- اهتمام و رویکردهای اصلی سیاست های تامین منافع ملی و حتی امنیت غذایی که منتج از توجه ویژه به بخش کشاورزی است، بر شناسایی دقیق و شفاف سازی پتانسیل های واقعی کشور در بخش کشاورزی، عدم بزرگ نمایی و آرمانی گرایی طرح های ارائه شده، توجه به فعالیت های اقتصادی بخش کشاورزی، افزایش کمیّت و کیفیت با رویکرد صادرات به صورت بین المللی در راستای اقتصاد مقاومتی و سالم سازی محصولات پاک و ارگانیک در راستای تأمین امنیت سلامت جان انسان ها از دیدگاه پدافند غیر عامل و ایجاد امنیت اقتصادی در بحث اداره امور کشاورزی متمرکز شود.

۵- توجه ویژه به نظام های بهره برداری بخش کشاورزی در اولویت سیاست های ناظر به اداره امور کشاورزی قرار گیرند.

۶- از فرصت های تحریم های خارجی در حوزه مواد غذایی و با رویکرد پدافند غیرعامل برای تحقق خودکفایی محصولات کشاورزی کشور و ایجاد ثبات غذایی برای کشور بهره گرفته شود.

۷- با اتکا به توان داخلی و منابع غنی داخل کشور و با حرکت به سوی کشاورزی دانش بنیان، از نفوذ سیاستگذاران بیگانه و سواستفاده آنها، در راستای ترویج و توسعه مصرف گرایی محصولات کشاورزی خارجی جلوگیری به عمل آید.



- ۸- حفظ محیط زیست و منابع پایه بخش کشاورزی جزء مطالبات اصلی رهبریت بوده و مسئولین نظام موظف به دقت ویژه در برخورد قانونی صریح و بدون اغماض در مورد مخربین این حوزه ، می بایست در دستور کار ویژه قرار گیرد.
- ۹- در سیاستگذاری های بخش کشاورزی مربوط به اداره امور آن در جمهوری اسلامی ایران، تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت راهبردی است که می تواند کشور را در رسیدن به قدرت اقتصادی در منطقه تبدیل نماید فلذا این راهبرد بایست در راس وظایف و عملکرد مسئولین نظام قرار گیرد.
- ۱۰- با « واردکنندگان بی رویه محصولات کشاورزی » به عنوان اخلاالگران فرآیند توسعه پایدار بخش کشاورزی، مبارزه زمینه ای و مؤثر به عمل آید.
- ۱۱- منشوری مدون در زمینه اداره امور کشاورزی طراحی و به تأیید بالاترین مقام مسئول مملکتی رسیده شود تا در صورت تغییر دولت ها، رئیس جمهوری و وزیر، تمامی مسئولین حتی خود وزیر و مدیران کلان کشوری بخش کشاورزی کشور قادر به تغییر آن نباشند.
- ۱۲- اصل خودکفایی در محصولات کشاورزی به منظور تامین امنیت غذایی یک اصل بدیهی است و منع واگذاری امتیازهای مربوط به امور تجاری و صنعتی مرتبط به بخش کشاورزی به بیگانگان می بایست در راس سیاست گذاری ها در امور مربوط به فعالیت های بخش کشاورزی قرار بگیرد.



فهرست منابع :

منابع فارسی

- آیین نامه اجرایی گسترش کشاورزی در قطب‌های کشاورزی، (۱۳۵۵: ماده ۱)
- استراوس، آنسلم، کوربین، جولیت (۱۳۸۵) نظریه مبنایی، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- استربرگ، کریستین جی (۱۳۸۴) روش های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، احمد محمد پور و علی شماعتی، دانشگاه یزد.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۸)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران انتشارات سمت .
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰)، مدیریت راهبردی، تهران، انتشارات سمت و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و دانشگاه عالی دفاع ملی .
- خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۸۶) روشهای تحقیق در علوم انسانی، تهران، انتشارات یادواره کتاب
- دانایی فرد، حسن (۱۳۹۰)، سیاست گذاری عمومی، جزوه درسی دانشگاه عالی دفاع ملی
- دانایی فرد، حسن، الوانی، سید مهدی، آذر، عادل (۱۳۸۳) روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت : رویکردی جامع، انتشارات صفار، تهران.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۴)، تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی : استراتژی مفهوم سازی تئوری بنیادی، دو ماهنامه دانشور رفتار، سال دوازدهم، شماره ۱۱، تیرماه.
- دیوید فردآر (۱۳۹۰). مدیریت استراتژیک، ترجمه: دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی، چاپ دوم، دفتر نشر پژوهش های فرهنگی.
- سورین، ورنر، تانکارد، جیمز؛ (۱۳۸۶)، نظریه های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- عزیزاده، علی (۱۳۸۲)، حمله های بیولوژیک علیه محصولات کشاورزی چالشی فراروی حفظ نباتات، وزارت جهاد کشاورزی، تهران، انتشارات سازمان حفظ نباتات کشور.
- غفاریان، وفا (۱۳۸۲)، توسعه مدیران اجرایی، فرصت ها و رویکردها، مجموعه مقالات اولین کنفرانس توسعه منابع انسانی.
- کاظمی، حسن (۱۳۹۰) پیاده سازی راهبردهای ملی، الزامات و ظرفیت ها، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی
- کرد نائیچ، اسدالله (۱۳۸۱)، طراحی و تبیین مدل تعاملی استراتژی، فرهنگ سازمانی و محیط در سازمان های صنعتی کشور، (رساله دکتری)، راهنما: اصغر مشبکی، دانشگاه علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس



- مرادیان، محسن، ۱۳۸۸، تهدید و امنیت، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سبهد صیاد شیرازی، تهران.
- محمد پور، احمد (۱۳۸۹) ضدروش: منطق و طرح در روش شناسی کیفی، جلد ۱، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
- وزارت جهاد کشاورزی، قانون تشکیل ۱۳۸۷: ماده ۱ آیین نامه اجرایی ماده ۱۱.

پ- منابع انگلیسی

- Strauss, A & Corbin, J (2008). Basics of research. Translated by Mohammadi, Biok, Tehran: Human Science & Cultural Studies Center publication (in Persian).
- Glaser, B. G. (2002). Conceptualization: On theory and theorizing using grounded theory. International Journal of Qualitative Methods.

پ- سایت

- [www. Khamenei.ir](http://www.Khamenei.ir) امام خامنه‌ای، مجموعه بیانات، قابل دسترسی در سایت

